

نگاه درس‌هایی از جنگ ویتنام

نویسندگان: جان کری و جان مک کین

● همان‌طور که پرزیدنت اوباما از ویتنام دیدار کرده است، ما با این واقعیت مواجه هستیم که بسیاری از شهروندان هر دو کشور هیچ خاطره‌ای از زندگی در زمان جنگ میان دو کشور ندارند؛ جنگی که در آن بیش از ۵۸ هزار آمریکایی و بیش از یک میلیون ویتنامی جان خود را از دست دادند.

به‌عنوان آمریکایی‌هایی که در آن جنگ بوده‌ایم، به‌طور مداوم از خود درباره درس‌های آن می‌پرسیم. چند پاسخ آسان به این پرسش وجود دارد، چراکه هر درگیری منحصربه‌فرد است و ما آموخته‌ایم درس‌های گذشته را برای بحران‌های تازه به کار بگیریم.

نخستین درس‌های این جنگ صرفاً شخصی و مربوط به ما نیست، بلکه اصلی برای تمام کسانی است که یونفرم نظامی می‌پوشند: ما دیگر هرگز نباید خود را با رزمندگان‌مان درگیر جنگ گیج‌کننده دیگری کنیم. جانبازان آمریکایی و کهنه‌سربازان، شایسته عمیق‌ترین احترام و قدردانی و حمایت از سوی ما هستند؛ آثانی که در هر زمان و در هر مکانی خدمت کردند.

دومین درس این است که رهبران باید صادقانه با کنگره و مردم آمریکا درباره برنامه‌ها و اهداف و استراتژی‌شان – در زمانی که جان مرداد و زنانمان در مبارزه در معرض خطر قرار دارد – صحبت کنند.

نکته سوم آن است که باید تمرین کنیم در برابر فرهنگ‌های خارجی تواضع به خرج دهیم و درباره فرهنگ‌های مختلف بیاموزیم. واقعیت آن است که در فاصله جنگ در جنوب شرقی آسیا، نه متحدان آمریکا و نه دشمنان ما اقدامات‌شان منطبق با خواسته‌ها و انتظارات ما نبود.

نکته چهارم و نهایی آنکه با تلاش و اراده کافی می‌توان با تبدیل‌کردن تفاوت‌های به‌ظاهر برطرف‌نشده‌نی به آشتی، آنها را حل کرد. این واقعیت که آقای اوباما سومین رئیس‌جمهوری آمریکاست که از ویتنام دیدار کرده، نشان می‌دهد دشمنان قدیمی می‌توانند تبدیل به شرکای جدید شوند.

به‌عنوان کهنه‌سربازانی که در خدمت مردم بوده‌ایم، متفخر هستیم که روابط عادی میان ایالات متحده و ویتنام از سر گرفته شده‌اند. روند احیای روابط دشوار بوده است و برای تحقق آن به همکاری از جانب هانوی برای افزایش و تبادل اطلاعات درباره آمریکایی‌های مفقودشده در جریان درگیری‌ها نیاز داریم؛ تلاشی که امروز نیز ادامه دارد.
باین‌حال، اکنون بیش از ۲۰ سال از عادی‌سازی روابط می‌گذرد و زمان آن فرا رسیده به‌دنبال در دستور کار قراردادن گسترش روابط با آن کشور باشیم. آقای اوباما در دیدار اخیر درباره همکاری‌های امنیتی و تجاری، سرمایه‌گذاری در حوزه آموزش، آزادی‌های مذهبی، حقوق بشر و محیط زیست در طیف گسترده‌ای با مقام‌های ویتنامی‌ی گفت‌وگو کرده است. این موضوع بازتاب‌دهنده تغییراتی است که در روابط حسنه میان دو کشور ایجاد شد. ۲۰ سال پیش حدود ۶۰۰ هزار آمریکایی در سال از ویتنام بازدید می‌کردند، درحالی‌که این میزان امروز به حدود نیم‌میلیون نفر در سال رسیده است. ۲۰ سال پیش حجم مبادلات تجاری ما با ویتنام فقط در حدود ۴۵۰ میلیون دلار بود؛ اما امروز این میزان رشدی صدبرابری داشته است. ۲۰ سال پیش کمتر از هزار دانشجوی ویتنامی در ایالات متحده حضور داشتند؛ اما امروز نزدیک به ۱۹ هزار دانشجو در آنجا تحصیل می‌کنند. اهمیت این موضوع آنجا مشخص‌تر می‌شود که بدانیم در هیات اجرایی سیاسی ویتنام، دو نفر مدارک تحصیلی خود را از این دانشگاه‌های آمریکایی دریافت کرده‌اند. این خبر خوبی است و به همین دلیل، این هفته یک نهار جدید آموزش عالی در شهر «هوشی‌مین» افتتاح خواهد شد؛ دانشگاه بورسیه «فولبرایت ویتنام». یکی از ما، ساتور «کری»، متفخر به برعهده‌گرفتن ریاست هیات‌مدیره این دانشگاه خواهد بود.

نزدیک به بی‌قرن پیش زمانی که در ویتنام خدمت می‌کردیم، هرگز تصور نمی‌کردیم کشورمان روزی با دولت هانوی برای کمک به نجات رودخانه «مکونگ» همکاری کند و ابتکار عمل‌هایی را برای مدیریت اکوسیستم و مقابله با اثرات منفی تغییرات آب و هوایی در اختیار این کشور قرار دهد. ما هرگز نمی‌توانستیم تصور کنیم دو کشور در معاهده تجاری مشارکت ترانس‌پاسیفیک شریک یکدیگر شوند. اکنون مقام‌های آمریکایی و ویتنامی در دستگاه دیپلماتی دو کشور در تماس دائمی با یکدیگر هستند و درباره جنجال‌های ایجادشده از سوی همسایگان ویتنام در دریای جنوبی چین و ادعاهای دریایی گفت‌وگو می‌کنند. البته ما نظام‌های سیاسی متفاوتی داریم و ویتنام باید در زمینه کارکرد رسانه و دین و رعایت حقوق بشر، کارهای بیشتری انجام دهد. اکنون هر دو کشور به این نتیجه رسیده‌ایم که باید صلح را به جنگ ترجیح دهیم.

ترجمه: نوژن اعتضادالسلطنه

هنوز جسد سوخته «ملامنصور» روی تخت بیمارستان نظامی کویته بود که بحث‌ها بر سر جان‌شین او در میان اعضای طالبان آغاز شد. می‌گویند مراسم نماز میت منصور هم فرصتی است برای ادامه مذاکرات. جمع‌شدن بلافاصله رهبران ارشد طالبان از سراسر منطقه در پاکستان و رفت‌وآمد آنها در فضای امنیتی این روزهای این کشور بسیار سخت می‌نمود و ازهم‌پرو انتخاب رهبر جدید طالبان، دست‌کم در آینده‌ای نزدیک، انتظار نمی‌رفت؛ به‌ویژه اینکه طالبان به طور رسمی کشته‌شدن ملامنصور را تأیید نکرده بود. با این همه، اوایل روز چهارشنبه، طالبان سکوت خود درباره مرگ ملاختر منصور را شکست و در بیانیه‌ای با تأیید کشته‌شدن او، رهبر جدید خود را معرفی کرد: «ملاهیبت‌الله آخوندزاده»، یکی از علمای مذهبی که می‌گویند برای طالب‌ها بسیار قابل‌احترام است. به نظر می‌رسد انتخاب سریع رهبر جدید که پس از جلسات روزهای اخیر هسته مرکزی طالبان در کویته صورت گرفت، تلاشی برای جلوگیری از شکاف بیشتر در صفوف این گروه است. ملامنصور چهاره‌ای تفرقه‌انگیز میان اعضای طالبان بود و بسیاری از فرماندهان این گروه انتخاب او را کودتایی می‌خواندند که به درگیری میان جناح‌های مختلف طالبان دامن می‌زد. ملاهیبت‌الله در قیاس با منصور به لحاظ مذهبی از اعتبار بیشتری برخوردار است و مسئول صدور فتواهایی بوده که عملیات‌های تروریستی و نظامی طالبان را توجیه می‌کند.

بنا بر گزارش‌ها از منطقه پنجوایی قندهار، هیبت‌الله از قبیله نوززی است و قدرت معنوی‌اش می‌تواند در اتحاد جناح‌های ناخرسند طالبان به او کمک کند. برخی از رهبران جناح جدایی‌طلب طالبان که در برابر ملامنصور شورش کردند، نیز نوززی هستند و احتمالاً روابط بهتری با ملاهیبت‌الله خواهند داشت؛ کسی که برای بازگرداندن این گروه از جدایی‌طلبان بارها پادرمیانی کرده است.



نگاهی به زندگی هیبت‌الله

- گفته می‌شود ملاهیبت‌الله آخوندزاده قاضی القضاات افغانستان در زمان حکومت پنج‌ساله طالبان در این کشور بوده و ملاعر، رهبر سابق این گروه، نیز به او اعتماد داشته است.
- گمان می‌رود ۵۵ساله باشد و بیشتر عمر خود را در افغانستان زندگی کرده است و مدرک چندانی از سفرهای او در دست نیست.
- ملاعر، رهبر سابق طالبان، براساس فتواهای او نیز دستورهایی را صادر کرده بود.
- پس از انتشار خبر مرگ ملاعر و رهبری ملاختر منصور بر گروه طالبان، ملاهیبت‌الله که تا آن زمان نام زیادی از او برده نشده بود، به‌عنوان معاون ملاختر منصور برگزیده شد.
- منابع نزدیک به طالبان می‌گویند اقدامات طالبان علیه گروه داعشی و اقدام نظامی علیه افراد «ملارسول»، نیز به دستور و فتوای ملاهیبت‌الله انجام شده است.
- براساس اطلاعات برخی منابع، ملاهیبت‌الله آخوندزاده از منطقه «سپروان» شهرستان «پنجوایی» در ولایت قندهار در جنوب افغانستان است.
- گفته می‌شود رهبر جدید طالبان افغانستان صاحب امتیاز یک مدرسه بسیار بزرگ در ایالت بلوچستان پاکستان است.

رهبرانی در صف

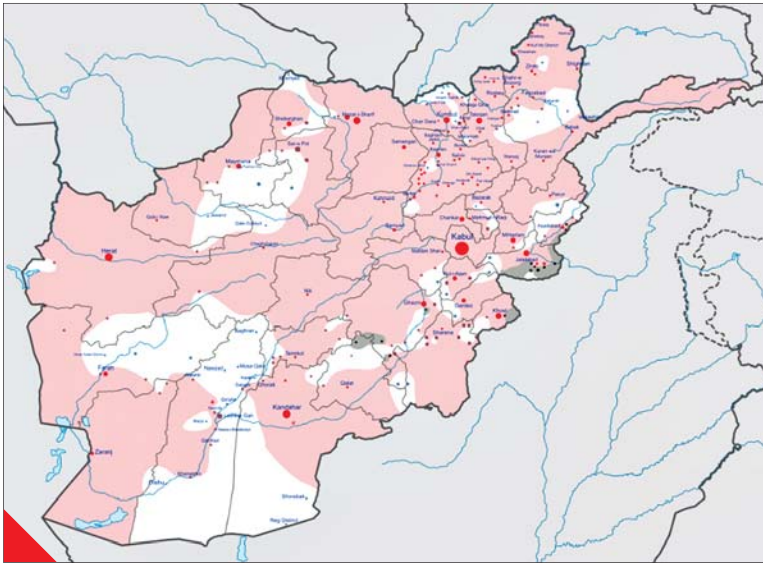
همین ۱۰ ماه پیش و پس از اعلام جان‌شینی ملاختر در مقام رهبر طالبان که با مشاجرات فراوانی همراه بود، کمترکسی فکر می‌کرد سراج‌الدین حقانی، فرمانده عملیاتی گروه حقانی و ملامحمد یعقوب، فرزند ملاعر، به این‌زودی‌ها مجالی دیگر برای تصاحب قدرت بیابند. با این حال، فرشته مرگ کار خود را کرد و باری دیگر رأس قدرت طالبان را خالی از سکنه کرد. اما گویا این بار نیز شانس یار این دو نبود تا به رؤیای دیرین خود در رهبری یکی را پرسیاقه‌ترین گروه‌های تروریستی افغانستان دست بیابند. البته در این میان عنوان معاونت رهبری طالبان می‌تواند همچون چند سال گذشته مرهمی بر درد ناکامی باشد. سراج‌الدین حقانی، فرزند حدوداً ۴۳ساله



جلال‌الدین، رهبر شبکه حقانی در حالی همچون گذشته باید به مقام معاون رهبری کفایت کند که مدت‌هاست به دلیل بیامربودن پدر یا مرگ احتمالی او، قدرت مطلقه این شبکه خوفناک تروریستی را عملاً از آن خود کرده است؛ شبکه‌ای مرتبط با گروه القاعده که از سوی فرماندهان ارتش آمریکا به عنوان خطرناک‌ترین دشمن در میدان نبرد توصیف شده است. شبکه حقانی در مقام اولین گروهی که تاکنیک بمب‌گذاری انتحاری را به افغانستان معرفی کرد، مسئولیت بسیاری از حملات خونین را در طول جنگ طولانی‌مدت این کشور برعهده داشته که ازجمله آنها می‌توان به بمب‌گذاری سال ۲۰۰۹ در یک مقر سیا در شرق افغانستان اشاره کرد که در آن هفت پرسنل اطلاعاتی آمریکایی کشته شدند. وزارت امور خارجه آمریکا نیز که نام سراج‌الدین حقانی را به دلیل حمله سال ۲۰۰۸ به هتل سرن‌ا کابل و کشته‌شدن شش نفر ازجمله یک شهروند آمریکایی، در فهرست تروریست‌های جهانی قرار داده، به ازای هرگونه اطلاعاتی که به بازداشت یا مرگ او منتهی شود، پاداش نقدی ۱۰ میلیون دلاری تعیین کرده است. به اینها اضافه کنبد بمب‌گذاری سال ۲۰۰۸ در مدرسه‌ای در کابل و طرح ناموفق

جان‌شین «ملامنصور» انتخاب شد

از قاضی‌القضاتی تا رهبری طالبان



تحت کنترل دولت افغانستان و ناتو

تحت کنترل گروه تروریستی داعش و متحدانش

در بیانیه‌ای که این گروه منتشر کرده نیز تعهد همه اعضای این گروه به وفاداری به او تأیید شده است، هرچند «ملعبدالمنان نیازی»، سخنگوی جناح جداشده طالبان، نظر دیگری دارد و انتخاب هیبت‌الله را غیرقابل‌قبول می‌داند. او با مقایسه روند انتخاب او با انتخاب تابستان گذشته منصور، می‌گوید بخشی از جناح‌های طالبان بدون مشورت با نمایندگان جناح‌های دیگر، هیبت‌الله را به عنوان رهبر جدید انتخاب کرده‌اند.

انتخاب سریع جایگزین منصور برای ناظران بیرونی و مقامات کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای مانند آمریکا نیز برای بسیاری تعجب‌برانگیز بوده است. آن‌طور که پنتاگون می‌گوید، سلف او مانعی برای صلح بوده و ازهم‌پرو مورد هدف قرار گرفته

کابل، ۱۰ نفر کشته و چهار نفر دیگر زخمی شدند؛ حمله‌ای که طالبان مسئولیت آن را برعهده گرفت. ادامه این حملات و انتخاب بی‌درنگ رهبر جدید طالبان گواهی بر این مدعاست که شعله‌های جنگ داخلی ۱۵ساله افغانستان سودای خاموش‌شدن ندارد و کشته‌شدن رهبران این گروه نه‌فقط از عملیات‌های این گروه نمی‌کاهد، بلکه محرکی برای خشونت‌های بیش‌ازپیش است.

پیشنهاد مجدد کلبدین حکمتیار به طالبان

با این همه، روز گذشته و هم‌زمان با پایان گمانه‌ها درباره رهبر جدید طالبان، «کلبدین حکمتیار»، رهبر حزب اسلامی افغانستان، از طالبان این کشور خواست تا در راستای اهداف مشترک با این حزب ائتلاف کند. رهبر حزب اسلامی افغانستان اظهار کرد این گروه و حزبش در راستای اهداف مشترک، راهکار مشترکی را در پیش گیرند. او از طالبان افغانستان خواست برای حل بحران افغانستان، برقراری صلح، جهاد و مقاومت و برای آینده افغانستان، موضع مشترک اتخاذ کنند.

با این همه، به نظر می‌رسد طالبان نه تن به ائتلاف با گروه دیگری می‌دهد و نه در مسیر صلح قدم برمی‌دارد. در چنین شرایطی این سؤال مطرح می‌شود که کشته‌شدن ملامنصور چه تأثیری بر شرایط افغانستان خواهد گذاشت؛ به احتمال فراوان تقابیل طالبان و دولت افغانستان به روال سابق و با همان شدت و حدت باقی می‌ماند و در صحنه داخلی افغانستان این تنها «اشرف غنی»، رئیس‌جمهوری افغانستان، است که می‌تواند ذی‌نفع اصلی کشته‌شدن منصور باشد؛ کسی که در ماه‌های اخیر به خاطر رشد نزاع و درگیری به شدت تحت فشار و انتقاد بود. البته کشته‌شدن منصور نشانه اتفاق دیگری هم هست: گام‌نهادن دوباره ایالات متحده در مسیر سیاست تهاجمی در افغانستان؛ جنگی که بارک اوباما به پایان خالت در آن متعهد شده بود.

جانشین «ملامنصور» انتخاب شد

جان‌شین «ملامنصور» انتخاب شد

اوبایل مارس گذشته بود که «سراج عزیز»، مشاور امنیت ملی نخست‌وزیر پاکستان در شورای وزارت خارجه آمریکا در واشنگتن، اعلام کرد کشورش به «رهبران طالبان» افغانستان پناه داده است. با این اظهارنظر، او درواقع رازی را برملا کرد که از مدت‌ها پیش مورد ظن و تردید بود اما اسلام‌آباد هرگز به آن اعتراف نکرد. گویی سراج عزیز به این وسیله می‌خواست برگه‌ای را بسوزاند که از مدت‌ها قبل پاکستان با خود داشت و در مانورهای سیاسی و منطقه‌ای از آن استفاده می‌کرد.

اما به‌زودی معلوم شد سراج عزیز اساساً چنین برگه‌ای را در اختیار نداشته است، زیرا اطلاعات متعددی نشان می‌داد رهبران طالبان تصمیم گرفته‌اند به همراه خانواده‌هایشان از پاکستان به افغانستان کوچ کنند؛ مسئله‌ای که بیانگر کاهش سطح رابطه «ملاختر منصور»، رهبر سابق طالبان، با دولت اسلام‌آباد بود. ملامنصور ماه جولای گذشته به‌عنوان جانشین «ملاعر» برگزیده شده بود.

در عمل پاکستان چنان‌که سراج عزیز در برابر شورای وزارت خارجه آمریکا گفت، نتوانست از «نفوذ خود در طالبان» استفاده و این جنبش را

تحت نظر آمریکا وارد مذاکرات صلح با کابل کند. حتی عکس آن، طالبان به جای روی‌آوردن به روند صلح، تندروی بیشتری را در پیش گرفت و عملیات نظامی خود را در افغانستان تشدید کرد. طالبان همچنین یک‌بار دیگر بر خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان تأکید و هرگونه گفت‌وگو تا زمان حضور نیروهای خارجی را رد کرد.

این‌ها همه مقدمه‌ای شد بر برخی ابهام‌هایی که در نحوه کشته‌شدن ملاختر منصور از سوی هوایپماهای بدون سرنشین آمریکایی در خاک پاکستان نیز بروز کرد. ادعا شده او از ایران بازگشته است که این هم ابهام‌های دیگری را دامن زد. اما اسلام‌آباد که تاب تحمل اتهام «همدستی در کشته‌شدن رهبر طالبان» را نداشت، این خبر را جعل کرد تا به‌ویژه در بین محافل تندرو این گروه نشان دهد درواقع رد ملاختر از طریق ایران زده شده است. از آن گذشته پاکستان نیازمند آن بود که نشان دهد حمله آمریکا در عمق خاک پاکستان گزارش دقیقی نیست؛ زیرا اسلام‌آباد از تکرار سناریو مشابه هدف‌قراردادن «اسامه بن‌لادن»، رهبر القاعده در سال ۲۰۱۱، در کشورش بیمناک است؛ اتهامی که پاکستان هنوز نتوانسته است از

کلینتون و ترامپ در «واشنگتن» هم‌پیروز شدند

● رقابت‌های مقدماتی انتخابات ریاست‌جمهوری برای دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات در ایالت «واشنگتن» با پیروزی «دونالد ترامپ» و «هیلاری کلینتون» به پایان رسید. این‌بار واشنگتن همچون دیگر ایالت‌های آمریکا در هفته‌های گذشته، «سه‌شنبه بزرگ» انتخابات درون‌حزبی جمهوری‌خواهان و دموکرات‌های آمریکا را برگزار کرد و شاهد پیروزی دونالد ترامپ جمهوری‌خواه و هیلاری کلینتون دموکرات بود. ترامپ که با این پیروزی خود را به نامزدی نهایی حزب جمهوری‌خواه نزدیک‌تر کرده است، هزار و ۱۹۶ رأی کلی درون حزبی به دست آورد و در نتیجه فاصله خود را برای کسب هزار و ۲۳۷ رأی کلی درون حزب به‌شدت کم کرده است. در اردوگاه دموکرات‌ها نیز هیلاری کلینتون توانست اکثریت آرا در این رأی‌گیری را از آن خود کند. براساس قوانین حزب دموکرات ایالت واشنگتن، انجمن حزبی تعیین‌کننده تعداد نمایندگان است که هر کاندیداً به خود اختصاص می‌دهد. در انجمن‌های حزب ۲۶ مارس ایالت واشنگتن، «برنی سندرز» رقیب درون‌حزبی هیلاری توانست رأی ۷۶ نماینده از ۱۰۳ نماینده این ایالت را از آن خود کند و سهم کلینتون از این رقابت ۲۷ نماینده بود. کلینتون تاکنون از دوهزار و ۳۷۸ نماینده لازم برای کسب نامزدی حزب در انتخابات سراسری، دوهزار و ۲۸۷ نماینده را به خود اختصاص داده است. همچنین درحالی‌که رقابت‌های انتخاباتی در آمریکا به‌تدریج از مرحله مقدماتی به سراسری کشیده می‌شود، هیلاری کلینتون و دونالد ترامپ حملات علیه یکدیگر را تشدید کرده‌اند. کلینتون کارنامه ترامپ در زمینه کسب‌وکار را زیر سؤال برده و گفته شرکت‌های تحت مدیریت این میلیاردر نیویورکی چهار بار اعلام ورشکستگی کرده‌اند. او گفت: «تا حالا نشنیده بودم که مدیریت یک قمارخانه پول بسیارزد». در مقابل، ترامپ که قول داده بود رسوایی‌های مربوط به دوره ریاست‌جمهوری «بیل کلینتون» را زنده کند، دست به اقرار جنجیبی زد و با انتشار یک آگهی ادعاهای تعرض جنسی علیه بیل کلینتون، شوهر هیلاری کلینتون را تکرار کرد. در این آگهی صدای دو زن - کتلین وایلی و جوانیتا برودریک - که آقای کلینتون را سال‌ها پیش به تعرض جنسی متهم کرده‌اند، پخش می‌شود. در پایان آگهی این نوشته‌ت ظاهر می‌شود: «آیا هیلاری واقعا از زنان حفاظت می‌کند؟» ترامپ و هوادانش می‌گویند هیلاری کلینتون سعی کرده بود متهم‌کنندگان شوهرش را بی‌اعتبار جلوه دهد. این دو هنوز رسماً نامزد حزب نشده‌اند و برای این مقصود باید تا گردهمایی‌های ملی حزب متبوع خود در ماه ژوئن صبر کنند.

راست‌گراترین دولت اسرائیل تشکیل شد

● «آویگدور لیبرمن»، رهبر حزب دست‌راستی «اسرائیل، خانه ما»، با «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر اسرائیل، برای پیوستن به دولت ائتلافی او به توافق رسیده است. به گزارش بی‌بی‌سی، طبق این توافق، لیبرمن به عنوان وزیر دفاع جدید اسرائیل منصوب خواهد شد. با پیوستن حزب «اسرائیل، خانه ما» به دولت نتانیاهو، یکی از راست‌گراترین دولت‌ها در تاریخ اسرائیل شکل گرفته است. نتانیاهو درباره لزوم گسترش کابینه حکومتی اظهار کرد: «از سال قبل که کابینه تشکیل شد بارها گفته بودم قصد گسترش آن را دارم. اسرائیل به دولتی پایدار نیاز دارد تا با چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رویی ما روبه‌رو شود». او تصریح کرد: «به تأمین امنیت اسرائیلی‌ها ادامه داده و این کار را با شدت و مسئولیت‌پذیری انجام می‌دهیم». دولت نتانیاهو هم‌اکنون در کنست (پارلمان) ۴۰انفره اسرائیل ۶۷ کرسی دارد و می‌تواند راحت‌تر قوانین مورد نظرش را به تصویب برساند. «موشه یعلون»، وزیر دفاع سابق اسرائیل که عضو حزب حاکم لیکود است، جمعه در اعتراض به ائتلاف با حزب «اسرائیل، خانه ما»، از سمت خود کناره‌گیری کرد. یعلون، ژنرال سابق ارتش اسرائیل، هشدار داد «افراد افراطی و خطرناک در حال مسلط‌شدن بر اسرائیل هستند». آویگدور لیبرمن، نگهبان سابق با‌شگاه شایانه و مهاجری از شوروی سابق است که به‌دلیل سیاست‌ها و اظهارنظرهای جنجالی بارها مورد انتقاد قرار گرفته است. این در حالی است که بازگشت لیبرمن به کابینه می‌تواند تکرانی‌های بین‌المللی را درباره سیاست‌های دولت اسرائیل به‌ویژه درباره مناقشه با فلسطینی‌ها تشدید کند. لیبرمن پیش از این در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ و بار دیگر در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ در دولت نتانیاهو و وزیر خارجه بود. لیبرمن که خود نیز در شهرك‌های صهیونیستی در کرانه باختری اشغالی زندگی می‌کند، در مقام وزیر دفاع بر عملیات نظامی این رژیم در اراضی فلسطینی نظارت خواهد کرد. لیبرمن همواره نسبت به «محمود عباس»، رئیس حکومت‌گردگان فلسطین، ایزاز بی‌اعتمادی کرده و خواستار برکناری او شده است. لیبرمن همچنین ماه گذشته مدعی شد در صورت رسیدن به مقام وزارت دفاع، ۴۸ ساعت به «اسماعیل هنیه»، رهبر جنبش «حماس»، مهلت می‌دهد تا غیرنظامیان بازداشت‌شده اسرائیلی و اجساد سربازان کشته‌شده در جنگ سال ۲۰۱۴ را تحویل دهد و در غیراین‌صورت هنیه کشته خواهد شد.